

# جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان چالشها و منافع ملی ایران

حسنعلی احمدی فشارکی<sup>۱</sup>

از بُعد مسائل اقتصادی نوع ساختار اقتصادی شوروی سابق در تعیین سیاستهای اقتصاد مکمل برای هر یک از جمهوری‌ها باعث گردیده تا کشورهای این منطقه پس از فروپاشی، بحران نسبتاً بزرگ اقتصادی را در پیش روی خود حس کند و اقتصاد تک‌محصولی هر یک از این جمهوری‌ها آنها را در سمت‌گیری توسعه اقتصادی با مشکل مواجه سازند. در سازماندهی اقتصادی شوروی سابق بنا بر مقتضیات محیطی تاجیکستان جزو مناطقی بود که برای تولید محصولات کشاورزی در نظر گرفته شده بود و لذا تأمین بخشی از بنه مورد نیاز شوروی به‌عهده این جمهوری بود. پس از فروپاشی مشکلات اقتصادی تاجیکستان باعث گردید تا ترسهای امنیتی در کلیه زمینه‌های اقتصادی متوجه نخبگان این کشور گردد. از سوی دیگر اقتصاد کاملاً وابسته به محصولات کشاورزی و مواد خام از یک سو و پیوند ناگسستی تبادلات خارجی براساس روبل و سقوط ارزش روبل از سوی دیگر باعث گردید تا تولید سرانه این کشور پایین‌ترین رقم در میان جمهوری‌های شوروی سابق را به خود اختصاص دهد.

## مقدمه

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه پایانی قرن بیستم سرفصل جدیدی را در روابط بین‌الملل گشود. حذف یک محور قدرت از جهان دوقطبی، علاوه بر ایجاد تغییرات و تحولات عمیق در ساختار نظام بین‌الملل، پیامدهایی همچون رشد حرکت‌های استقلال‌طلبانه به همراه بروز چالشهای متعدد و متنوع میان قومیتها، ملتها و جناحهای سیاسی در سطح خرد و بازیگران عرصه بین‌الملل در سطح کلان و بویژه در منطقه آسیای مرکزی را به دنبال خود داشت. انباشت بحرانها و مشکلات اقتصادی - سیاسی، فرهنگی و امنیتی باعث گردید تا

۱. حسنعلی احمدی فشارکی عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع) است.

قدرتهای منطقه‌ای و جهانی توجه خاصی را معطوف این منطقه نماید.

فرصتهای موجود در آسیای مرکزی با اختلافات و تمایزات وسیع در میان پنج کشور این حوزه از یک سو و چالشهای داخلی میان قومیتها و تعامل تعارض‌آمیز میان توده مردم و نخبگان و گرایشات و تمایلات هریک از جناحهای سیاسی، اقوام، احزاب و تشکلهای و نگاه آنها به بیرون از سوی دیگر و همچنین رقابت شدید قدرتهای برتر منطقه و جهان باعث گردید تا زمینه را برای نفوذ سایر کشورهای مطرح در منطقه فراهم سازد. تولد زودرس و استقلال تحمیلی بدون شکل‌گیری نهادها و ساختارهای اجتماعی - سیاسی و اقتصادی لازم و تعامل رقیبان منطقه‌ای، اهمیت ویژه‌ای به این بلوک بخشیده است.

در این پژوهش سعی شده است تا ضمن پرداختن به وضعیت تاجیکستان، یکی از کشورهای تازه‌استقلال‌یافته این منطقه، به بررسی نوع فرصتها و چالشهای موجود در آن کشور با جمهوری اسلامی ایران پردازد. وجود تشابهات فرهنگی تاجیکستان با ایران، باعث گردیده تا این کشور قابلیت‌های بالقوه‌ای برای توجه خاص سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان و ناظران سیاسی ایرانی را دربر داشته باشد اگرچه بی‌مهری‌ها، کم‌توجهی‌ها و عدم درک صحیح از واقعیتهای این ملت و کشور تاجیکستان، باعث گردیده تا بازیگران رقیب از فرصتهای موجود به نحو بهتر و شایسته‌تر بهره‌مند گردند.

این تحقیق پس از توصیف وضعیت عمومی کشور تاجیکستان از ابعاد سیاسی - اجتماعی و اقتصادی به بیان وجود تعارضات داخلی و شرایط و اوضاع سیاسی و قابلیت‌های موجود برای استفاده بهینه از فرصتها و تأمین منافع ملی ایران در آن منطقه پرداخته است. در این راستا دو نظریه نوع تعامل ایران با تاجیکستان را تفسیر می‌نماید. یک رأی با تأکید بر مشترکات دینی و گرایشات انقلابی و همسانی‌های عقیدتی حول محور اسلام، خواهان حمایت‌های فرهنگی از مسلمانان تاجیکی برای ایجاد بستر لازم در جهت رشد و توسعه آنان بوده و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را از طریق تبلیغ سیاسی مذهبی و حمایت‌هایی از این دسته، جستجو می‌نماید و بر این مبنا تقویت نهضت اسلامی تاجیکستان را راه‌حلی برای استفاده از فرصتها در آن کشور می‌داند. فرضیه دیگر بر مبنای مشترکات فرهنگی ملی حول محور حداقل‌ها بدون توجه به تعارضات دینی و ابعاد مذهبی در قالب اشتراکات فرهنگی در

بُعد پیشینه مشترک فرهنگ ایرانی از طریق تعمیق روابط فرهنگ ملی و در کنار آن تقویت روابط اقتصادی به دنبال تأمین منافع ملی ایران است. در این راستا توصیف شاخصهای مطرح، راهی برای آزمون این فرضیات است لیکن ذکر این نکته ضروری است که زمینه‌های این سردرگمی‌ها در تصمیم‌گیری‌های سیاسی صرفاً ناشی از اختلاف سلیقه‌های داخلی نیست بلکه بخش عمده‌ای از آن به بی‌ثباتی‌های محیط مورد مطالعه مربوط می‌گردد لیکن سعی شده است با استفاده از واقعیتها و داده‌های سیاسی - اقتصادی و اجتماعی فرضیه‌های مذکور مورد آزمون قرار گرفته و با تفسیر آن فرضیات راهی برای تأمین منافع ملی ایران در آن کشور و منطقه پیشنهاد گردد.

### بیان داده‌ها

تاجیکستان به‌عنوان فقیرترین کشور آسیای مرکزی در منتهی‌الیه جنوب شرقی آسیا قرار گرفته است. وسعت این کشور ۱۴۳،۱۰۰ کیلومتر مربع بوده و با جغرافیای کوهستانی هم‌مرز با قرقیزستان (با ۸۷۰ کیلومتر)، ازبکستان (با ۱۱۶۱ کیلومتر) از سمت شمال و بخشی از ازبکستان از سمت غرب و کشور چین از سمت شرق (با ۴۱۴ کیلومتر) و از جنوب با افغانستان (با ۱۲۰۶ کیلومتر مرز) می‌باشد. تاجیکستان در میان دو رشته کوه تین‌شان و پامیر محصور شده و ۹۳٪ این سرزمین را کوه‌های مرتفع دربر گرفته و دارای زمستانهای کوتاه و سرد و تابستانهای گرم و مرطوب و با طیفی از سرما و گرما بین ۹ تا ۲۷/۴ درجه سانتیگراد در مناطق شهری بوده و بعضاً دمای هوا در مناطق کوهستانی به ۶۰- درجه می‌رسد. مرتفع‌ترین قله در میان جمهوری‌های شوروی سابق در این کشور قرارداد و قله‌های لنین با ۷۱۳۴ متر و قله کمونیسیم با ۷۴۹۵ متر از مرتفع‌ترین قله‌های این کشور هستند. دو رود سیردریا (سیحون) در شمال و آمودریا (جیحون) در منطقه جنوب با ۲۵۴۰ کیلومتر طول از منابع آبی بسیار مطلوب این کشور قلمداد می‌گردند. پایتخت تاجیکستان شهر دوشنبه است که در بین سالهای ۱۹۶۱-۱۹۲۶ استالین آباد نامیده می‌شد و خجند یا لنین‌آباد سابق دومین شهر پُرجمعیت این کشور پس از پایتخت می‌باشد. ۱۸ شهر و ۴۹ شهرک در قالب ۴ استان خجند، کولاب، قرقان‌تپه و ولایت خودمختار بدخشان در قالب ۴۴ ناحیه تقسیمات کشوری این سرزمین را

تشکیل می‌دهند.<sup>۱</sup> براساس آمار سال ۱۹۹۵ این کشور دارای جمعیتی حدود ۶،۰۵۵،۴۰۰ نفر می‌باشد و با ۲/۶٪ بالاترین نرخ رشد جمعیت در میان کشورهای آسیای مرکزی را دارد.<sup>۲</sup> این در حالی است که مهاجرت به خارج به علت جنگ ۵ ساله داخلی و شرایط اقتصادی پس از جنگ و امید به آینده‌ای روشن در روسیه اروپایی و جمهوری‌های روسی تبار و همچنین بیم از دست دادن تابعیت روسی همچنان ادامه دارد. ۶۷٪ مردم این کشور در روستاها زندگی می‌کنند و ۳۳٪ شهرنشین هستند. رقم کشته‌های این کشور طی جنگهای داخلی بین ۲۰،۰۰۰ تا ۵۰،۰۰۰ نفر ذکر گردیده و حدود دومیلیون نفر از آنان در افغانستان، پاکستان و چین سکونت دارند. این کشور در ۹ سپتامبر ۱۹۹۱ اعلام استقلال نمود. ترکیب ناهمگون قومیتها به میزان ۶۴/۹ تاجیکی، ۲۵٪ ازبک، ۴٪ روس و ۲٪ از اقوام تاتار علاوه بر ایجاد مشکلات عدیده در ایجاد همسانی و شکل‌گیری دولت - ملت، رسیدن به وفاق ملی را امری دشوار نموده است. وجود اقلیت روسی نیز اهمی برای اعمال فشار روسیه قلمداد گردیده و لذا بازی تصمیم‌گیرندگان و سیاستگذاران آن کشور با قدرتهای منطقه‌ای را با مشکل مواجه ساخته است.

با فتح آسیای مرکزی از قرن هفتم میلادی توسط سپاه اسلام، مردم این منطقه نیز به دین اسلام گرویدند. اکثریت مردم تاجیکستان حنفی مذهب بوده و اقلیت شیعه به همراه گروه اندکی از پیروان فرقه اسماعیلیه از دیگر مذاهب رایج این کشور قلمداد می‌گردد.

مرز مشترک با چین و افغانستان و نزدیکی این کشور به پاکستان و هندوستان این جمهوری را دروازه مرکزی به کشورهای چین، هند و افغانستان و پاکستان قرار داده است. وجود معادن طلا، اورانیوم و منطقه‌ای مستعد برای تولید محصولات کشاورزی، زیرساختهای تولیدی این کشور را مهم جلوه داده است لیکن اقتصاد تک‌محصولی مشکلی است که همچنان لاینحل باقی مانده است.<sup>۳</sup>

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: رؤیا منتظمی، تاجیکستان، (تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۴) صص ۴-۱.

۲. آمار مربوط به پارامترهای اقتصادی و اجتماعی تاجیکستان از کتاب ذیل استخراج گردیده است:

The international Institute for stratigic Studies, The military balance, (London: OxfordUniversity press 1995)

۳. پیشین، صص ۱۶-۱۴.



از بُعد مسائل سیاسی، این کشور با معضلات عدیده‌ای مواجه است. اضمحلال ساختار دوقطبی و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ پیامدهای عمیقی را در بروز پارامترهای امنیتی در ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای این کشور به دنبال داشت. الیت باقی مانده از نظام قبلی بر سر تصاحب قدرت وارد یک مبارزه کاملاً خطرناک گردیده و نهایتاً در نوامبر ۱۹۹۲ رحمان‌اف با حمایت روسیه قدرت را در دست گرفت و در ۶ نوامبر ۱۹۹۴ به عنوان رئیس جمهور انتخاب گردید.<sup>۱</sup> نوع بازی بازیگران در سطح خرد و کلان، مسائلی همچون «قومیتها، مرزها، نگرانی از تجدید حیات ملی‌گرایی سلطه‌جوی روس، تهدیدهای متصور از بابت بنیادگرایی اسلامی و موضوع سلاحهای هسته‌ای و مسائل ملی‌گرایی از عوامل ضدثبات در منطقه قلمداد گردیده»<sup>۲</sup>، همچنین از سویی روسیه خود را پدر منطقه دانسته در حالی که دیگران او را در حد برادری بزرگتر قلمداد می‌نمایند و لذا مجموعه‌ای از این مسائل چالشهای تاجیکستان با کشورهای منطقه را غیرعادی و لاینحل جلوه می‌دهد. انباشت بحرانها در این کشور ناشی از تولد زودرس بدون شکل‌گیری هویت ملی و تعارضات موجود میان هویت فردی، قومی و ملی و نیل به وفاق ملی در قالب هویت جمعی از یک سو و قیومیت‌گزینی از سوی دیگر به اضافه درگیری‌های داخلی در تاجیکستان میان کمونیستها، ملی‌گرایان و اسلام‌خواهان از یک سو و جناح‌بندی‌های درون سازمانی در تمامی جناحهای ملی‌گرا، کمونیستها و مسلمانان بر پیچیدگی مسائل سیاسی و امنیتی این کشور افزوده است. یک دیدگاه ریشه همه این بحرانها را در مسائل اقتصادی دانسته و آن را ناشی از ضعف توان مالی دولت در اتخاذ سیاستهای اقتصادی در دوره انتقالی می‌داند<sup>۳</sup> و در دیدگاه دیگری منشاء مشکلات و اختلافات داخلی، نتیجه رقابتهای دیرپای منطقه‌ای و طایفه‌ای،

۱. کامبیز شیخ‌حسینی، اکو یک دیدگاه منطقه‌ای، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ۱۳۷۵) ص ۸۲.

۲. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: گزارش کنفرانس بین‌المللی راجع به نقش آسیای مرکزی در شرایط جهانی (قزاقستان، ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۳)، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، شماره ۴، سال دوم، بهار ۱۳۷۳، ص ۴۲۸.

۳. همان، ص ۴۱۳.



خودمختاری طلبی اقوام پامیری در ناحیه گورنا - بدخشان و آرزوهای دموکراتها و ملت‌گراها برای تعیین آینده کشور می‌باشد.<sup>۱</sup> سواى منشاء این بحرانها، اختلافات قومى، زبانى، نژادى فرقه‌ای و دینی در تاجیکستان بویژه اختلاف دیرینه تاجیکها با ازبکها و گرایشهای فراملى و فروملى بر فرآیند شکل‌گیری هویت ملی و برهم خوردن تعادل کشور در اثر وفاداری به قومیت‌های زبانی و محلات شهری از سطح فروملى و وفاداری به نظام فوق ملی و احیای امپراتوری سابق روسیه در مقابل تمایل به تشکیل یک امت اسلامی در میان برخی از توده‌ها و عدم آمادگی جامعه برای انقلاب تحمیلی سیاسى و ظرفیت قلیل اقتصاد تک‌محصولی و فرهنگ توسعه‌نیافته از عوامل فشارزا در محیط سیاسى تاجیکستان محسوب می‌شود.<sup>۲</sup> علاوه بر این مسئله نگرانی دائمی تاجیکستان از ناحیه ازبکستان را نیز باید لحاظ نمود چراکه «تاجیکستان دارای یک اقلیت چشمگیر ازبک بوده و ازبکستان نیز وجود یک تاجیکستان مستقل و قوی را که می‌تواند برای اقلیت تاجیکش نقطه اتکایی به‌شمار آید به‌عنوان تهدیدی بالقوه بر امنیت خود تلقی می‌کند. در مقابل، تاجیکستان نیز از سوی ازبکستان احساس خطر کرده و روسیه را به‌عنوان نوعی قدرت محافظ در قبال توسعه‌طلبی ازبک در نظر می‌گیرد».<sup>۳</sup> بخشی از این تعارضات را باید در تاریخ تاجیکستان جستجو نمود که به دوران سالهای قبل از ۱۹۳۰ برمی‌گردد. قبل از انفکاک تاجیکستان از قلمرو ترکستان، با ورود اعراب از سوی ماوراءالنهر این قوم خود را از ترکها متمایز ساختند بدین شکل که «وجه تسمیه تاجیک ناشی از وجه تمایز مردم منطقه از ترکان بوده، چراکه مردم غیر صحراگرد یکجانشین، زودتر از ترکان کوچ‌رو و صحرائشین، به‌وسیله اعرابی که از ماوراءالنهر آمده بودند مسلمان شدند. به همین علت آنان که اسلام را نپذیرفتند آنان را تازیک و تازیکی نامیدند که اعراب را نیز به همان نام

۱. راجان منون، امنیت آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی، ترجمه دکتر منوچهر شجاعی، اطلاعات سیاسى اقتصادى، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶، شماره ۱۱۶-۱۱۵، ص ۱۰۵.

به نقل از: International Security, Summer 1995

۲. دکتر سیدحسین سیف‌زاده، بحران هویت ملی در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۴، بهار ۱۳۷۴.

۳. شیرین طهماسب، ایران، روسیه و جمهوری‌های جنوبی شوروی سابق، گفتگو، شماره ۱۲، تابستان ۱۳۷۵، صص ۶۶-۶۵.

می خواندند و بعد تغییر شکل یافته به تازی<sup>۱</sup> و پیوندهای آرمانی و تعمیق یافته این قوم و ارتباط ناگسستنی مردم با پیشینه فرهنگی خویش عاملی برای استحکام و تقویت رفتار دفاعی مردم این کشور محسوب گردیده و براین اساس تاجیکستان آخرین کشور بود که استیلائی تزاری و غلبه کمونیستها بر آن کشور تحقق یابد.<sup>۲</sup> از دیگر عوامل تفرقه انگیز و تاریخی، این کشور نوع مرزبندی‌های جغرافیایی بدون در نظر گرفتن تعلقات و گرایشات قومی و فرهنگی بوده و همچنین از سوی دیگر «مجاورت و درهم فرورفتگی سرحدات تاجیکستان و ازبکستان به عنوان یک ویژگی جغرافیایی در کنار پیوندهای قومی و فرهنگی تاجیکی و ازبکان به نحوی است که حتی تقسیم تحمیلی استالین در ۱۹۲۴ نتوانست واقعیت تاریخی آمیختگی فرهنگی و اجتماعی این دو گروه را تحت الشعاع قرار دهد. همین امر یکی از دلایل تأثیر و تأثر متقابل این دو جمهوری از یکدیگر در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی است».<sup>۳</sup> مجموعه این عوامل در قالب تنوع قومیتها و مذاهب و همچنین روانشناسی سیاسی - اجتماعی آنها تقسیم‌بندی‌های مختلفی را در جناحهای سیاسی به وجود آورده است. از یک سو بقایای کمونیستهای سابق هنوز به دنبال احیای امپراتوری شوروی سابق بوده و از سوی دیگر نیروهای اسلامی با رهبری عبدالله نوری به دنبال ترویج و توسعه اسلام در این کشور بوده و بخش عمده‌ای از نیروهای ملی‌گرا نیز آرمانهای ملی دموکراتیک را دنبال می‌کنند. ضمن در نظر داشتن این نکته که هنوز ۲۵ هزار نفر از نظامیان روسی در قالب لشکر ۲۰۱ مکانیزه در پایتخت حضور داشته و یک اهرم کنترل برای روسها در تنظیم معادلات سیاسی تاجیکستان می‌باشد؛ تعاملات سیاسی و نفوذهای خارجی و ذی‌نقدان داخلی جناح‌بندی‌هایی را به شرح ذیل در تاجیکستان به وجود آورده‌اند:<sup>۴</sup>

- حزب کمونیست به رهبری شادی شیدالوف

- حزب بازسازی سیاسی و اقتصادی

- حزب دموکراتیک با سیادت شادمان یوسف که با اشعابی که در درون آن بر سر

۱. علیرضا شیخ‌عطار، ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، (تهران: انتشارات وزارت

امور خارجه (۱۳۷۱)، ص ۱۶۲. ۲. همان، ص ۱۶۳.

۳. همان، ص ۱۶۰.

۴. کامبیز شیخ‌حسینی، اگر یک دیدگاه منطقه‌ای، ص ۸۳.

اختلاف خط مشی تعامل با دولت به دو جناح تقسیم گردید. جناح اکثریت به رهبری نیازاف و جناح اقلیت در دست شادمان یوسف باقی ماند.

- جنبش مردمی رستاخیز به رهبری طاهر عبدالجبار

- نهضت اسلامی به رهبری عبدالله نوری

- سازمان آریانای بزرگ

- سازمان لعل درخشان

فعالیت سه تشکیلات جنبش مردمی رستاخیز، سازمان آریانای بزرگ و سازمان لعل درخشان ممنوع اعلام شده و نکته قابل توجه این فرآیند در این موضوع است که کشوری که بیش از نیم قرن تحت سلطه نظام تک‌حزبی اقتدارگرای کمونیستی بوده است حال این انزوای متراکم شده در قالب چندین تشکیلات سیاسی ظهور نموده است و خود عاملی برای تفرق آراء و بروز تضادهای جدید گردید که تبلور آن جنگ داخلی تاجیکستان می‌باشد. در میان این جناحها، تشکیلات نهضت اسلامی تاجیکستان به رهبری عبدالله نوری از استحکام نسبتاً بهتری برخوردار است و همین امر باعث گردید تا ائتلاف مخالفین دولت در قالب کمیسیون آشتی ملی با محوریت عبدالله نوری بتواند خواستهای خود را با استحکام بیشتری از دولت خواستار گردد؛ ضمن اینکه این مسئله عاملی در طولانی شدن جنگ داخلی و در ادامه به طول انجامیدن فرآیند صلح گردید لیکن در نهایت با میانجیگری جمهوری اسلامی ایران و روسیه توافقنامه صلح امضا گردید و بر این اساس مقرر گردید ضمن برقراری آتش‌بس و تبادل اسرا ۳۰٪ از پستهای دولتی در اختیار ائتلاف مخالفین قرار گیرد و این ماده از توافقنامه صلح خود نقطه آغازی برای اختلافات جدید گردید. شاید این جناح‌بندی‌ها مصداق همان تعبیر معروفی است که در جهان سوم با حضور دونفر، یک حزب تشکیل می‌شود و با افزایش آمار به سه نفر یکی از آنها انشعاب می‌نماید. حتی پس از گذشت دوران جنگ و امضای توافقنامه صلح هنوز برخی از مخالفین حاضر به پذیرش کامل مفاد توافقنامه نبوده و مسیر خود را از اتحاد مخالفین جدا نموده‌اند. میزان این تعارضات و تضادهای قومی به حدی گسترش یافته است که برخی کارشناسان معتقد هستند که «خطر تضادهای قومی و محلی بیش از بنیادگرایی اسلامی





است.<sup>۱</sup> بخشی دیگر از اختلافات نیز به تعارضات مذهبی برمی‌گردد. اکثریت اهل سنت با مذهب حنفی و اقلیتی شیعه و تعداد اندکی پیروان فرقه اسماعیلیه به اضافه بخش قابل توجهی از کمونیستهای سابق آمیزه‌ای از تعارضات دینی را به وجود آورده است. حتی نهضت اسلامی تاجیکستان که انتظار حمایت تام جمهوری اسلامی ایران را دارد پیرو مکتب حنفی بوده و با فرهنگ شیعی و ایده‌های انقلابی جمهوری اسلامی ایران سازگاری تام ندارد. اما جدای از این تعارضات اشتراک فرهنگ ایرانی میان دو ملت ایران و تاجیکستان نقطه قابل تکیایی است که می‌تواند در صورت استفاده صحیح از این تمایلات و علقه‌ها، جایگاه مطلوبی را برای ایران به دنبال داشته باشد و همانگونه که اشاره شد پیوند ناگسستنی مردم این کشور با پیشینه فرهنگی خود، باعث شده که «کلیه گروههای فعال در صحنه سیاسی تاجیکستان در مورد ایران این برداشت را داشته باشند که ایران باید پشتیبان اصلی تاجیکستان در منطقه باشد زیرا تاجیکستان قطعه جدا افتاده و محاصره شده از محدوده فرهنگی ایران است و از زاویه قرابت‌های مذهبی نیز قاضی تورجان‌زاده به رغم حفظ ارتباطات خود با عربستان و پاکستان تصریح می‌کند که رسالت ایران در منطقه فراتر از نقش سایر کشورهاست. روشنفکران نیز رابطه با ایران را به‌عنوان مرکز اصلی فرهنگ فارسی و ایران ضروری می‌دانند و برای تحقق این امر با یکدیگر در رقابت هستند.<sup>۲</sup> جلوه این رقابتها در ایجاد مراکز تحقیق و انتشارات و جمع‌آوری نسخ خطی و ایران‌شناسی و انستیتو شرق‌شناسی، آکادمی و اتحادیه نویسندگان برای گسترش زبان فارسی و فرهنگ تاجیکستان بنیانگذاری شده‌اند<sup>۳</sup>، می‌باشد حتی این روند شامل حمایت‌های رسمی دولت نیز می‌باشد به گونه‌ای که در بهمن ماه ۱۳۷۶ رئیس‌جمهور تاجیکستان دستور ساخت مجسمه امیر سامانی با هزینه ۱۰۰ میلیون روبل تاجیکی معادل ۱۲۵ هزار دلار برای نصب در یکی از مراکز اصلی پایتخت را صادر نمود.

درک این فرصت‌های منحصربه‌فرد در این کشور از سوی تصمیم‌گیرندگان و سیاستگذاران جمهوری اسلامی ایران در بلندمدت می‌تواند جایگاه مناسبی را برای نفوذ ایران

۱. گزارش کنفرانس بین‌المللی نقش آسیای مرکزی در شرایط جهانی، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴، سال دوم، بهار ۱۳۷۳، ص ۴۲۷.  
 ۲. علیرضا شیخ‌عطار، ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، ص ۱۲۱.  
 ۳. همان، ص ۱۷۶.



و فرهنگ ایرانی از ابعاد فرهنگی به وجود آورد ضمن آنکه می تواند نفوذ سیاسی خود را از طریق گروههای فشار فرهنگی متأثر از ایران و فرهنگ ایرانی تأمین نماید. مجموعه عوامل مذکور مشکلات امنیتی تاجیکستان را تشکیل می دهد. در تفسیر این معضلات امنیتی می تون از الگوهای مطرح در مطالعات امنیتی بهره جست. این الگوهای امنیتی شامل سه دیدگاه متفاوت می باشد.

در دیدگاه غربی با تأکید بر عوامل خارجی با نام مکتب نظامی استراتژیک، عوامل عدم امنیت را در خارج از مرزها جستجو می کند و تعریف آنها از امنیت شامل حراست یک ملت از تمام انواع تجاوزات خارجی، جاسوسی، عملیات اکتشافی، خرابکاری و سایر نفوذهای مضره می باشد. مکتب دیگر مبتنی بر سیستم وابستگی متقابل است که براساس نگرش سیستماتیک، تغییرات در مسائل جهانی و مرتبط با یکدیگر همچون تکنولوژی هسته ای و مسائل مربوط به بمب اتم، نیروهای مخرب، پیشرفت تکنولوژیک، تغییرات اجتماعی و امنیت دسته جمعی و مسائل زیست محیطی در سطح کلان تلقی نموده و مکتب سوم با دیدگاه جهان سومی ریشه امنیت را نه صرفاً در رقابت ابرقدرتها بلکه بعضاً منشاء داخلی داشته و ابعاد غیرنظامی همانند آسیبهای اقتصادی، عوامل نامساعد محیط زیست، تفرقه قومی، عدم وجود مکانیزمهای اجتماعی، مدیریتهای نامطلوب، پیشینه سیاسی اجتماعی و مسائل مربوط به الیت های جامعه، فرقه گرایی و جناح گرایی، عدم پیوستگی بین فرهنگ واقعی و نهادهای سیاسی دربرآوردن آرمانها و انتظارات مردم و به طور خلاصه بحرانهای هویت، توزیع قدرت، مشارکت و مشروعیت را در زمره مسائل امنیتی مورد مطالعه قرار می دهند.

داده های مربوط به مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که در گذشته آمد به همراه مسائل مربوط به زمینه ها و مشکلات اقتصادی که در بخش آتی مورد مطالعه قرار می گیرد نشان می دهد که با هر زاویه ای از سه مکتب مذکور به کشور تاجیکستان نگریسته شود آن کشور دچار بحران ناامنی است. از یک سو از جانب روسیه و برخی از همسایگان از جمله ازبکستان در معرض تهدیدات خارجی می باشد و از سوی دیگر پیوند میان معضلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی براساس ساختارهای بجامانده از شوروی سابق مسائل امنیتی



این کشور را هم از درون سیستم و هم از لحاظ وابستگی به سیستم متقابل منطقه‌ای و جهانی به هم مرتبط ساخته است به شکلی که وجود مشکلات مشابه در سایر کشورهای آسیای مرکزی باشد و حدت گوناگون معضلات امنیتی این کشور را با سایر کشورها به هم گره زده است. پیچیدگی این مسائل مرتبط با هم تا حدی گسترش یافته است که هم نخبگان سیاستگذار و تصمیم‌گیرنده و هم عموم مردم تاجیکستان در تعریف دشمن دچار سردرگمی هستند. به عنوان نمونه تاجیکستان از یک سو به دنبال تصحیح روند ارتباط امنیتی با روسیه است و از سوی دیگر وزیر دفاع آن کشور به ایران مسافرت می‌نماید و خواهان همکاری نظامی دو کشور می‌گردد. بدون توجه به آنکه همکاری نظامی میان ایران و تاجیکستان بدون شرکت مؤثر روسیه غیرممکن خواهد بود چراکه وجود ۲۰ هزار نیروی روسی در تاجیکستان و قراردادهای نظامی تاجیکستان و روسیه آنقدر گسترده است که برخی از ناظران در حقیقت تاجیکستان را به نوعی تحت‌الحمايه روسیه می‌دانند.<sup>۱</sup> بخشی از این سردرگمی امنیتی نیز ناشی از نامشخص بودن سرنوشت امنیت بین‌المللی در دوران پس از جنگ سرد را نباید در این زمینه نادیده گرفت. بخشی از این تفرق آراء را نیز می‌توان در وجود نگرانی‌های ناشی از ورود بازیگران جدید به حوزه مسائل امنیتی این منطقه از جمله چین، هند، پاکستان، ایران، ترکیه، اسرائیل، اتحادیه اروپا و آمریکا و اخیراً کشور آلمان دانست. از بُعد سازمان داخلی نیز فقدان تمرین دموکراسی و استقلال اعطایی بدون وجود احزابی قدرتمند برای کادرسازی و نفوذ قدرتهای مطرح منطقه‌ای و بین‌المللی برای تحدید حوزه نفوذ خویش در تاجیکستان و ابقای الیت بجامانده از کادرهای حزب کمونیست سابق و عدم ارتباط با جهان خارج در دوران سلطه شوروی سابق در تمرین دیپلماسی برای تأمین امنیت خارجی خویش و تحقق منافع ملی، علاوه بر آن، فقدان ارتش واقعی و ملی و وابستگی شدید نظامی در ابعاد جنگ‌افزار و آموزشهای نظامی به روسیه مشکلات این کشور را به شکل پیچیده‌ای درآورده است.<sup>۲</sup>

از بُعد مسائل اقتصادی نوع ساختار اقتصادی شوروی سابق در تعیین سیاستهای اقتصاد مکمل برای هریک از جمهوری‌ها باعث گردیده تا کشورهای این منطقه پس از

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶/۱۰/۹.

۲. محمدجواد امیدوارنیا، آسیای مرکزی نگاهی به امنیت در آسیای مرکزی، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۴، بهار ۱۳۷۳، صص ۱۵۶-۱۵۴.



فروپاشی، بحران نسبتاً بزرگ اقتصادی را در پیش روی خود حس کنند و اقتصاد تک‌محصولی هریک از این جمهوری‌ها آنها را در سمت‌گیری توسعه اقتصادی با مشکل مواجه سازند.

در سازماندهی اقتصادی شوروی سابق بنابر مقتضیات محیطی تاجیکستان جزو مناطقی بود که برای تولید محصولات کشاورزی در نظر گرفته شده بود و لذا تأمین بخشی از پنبه مورد نیاز شوروی به‌عهده این جمهوری بود. پس از فروپاشی مشکلات اقتصادی تاجیکستان باعث گردید تا ترسهای امنیتی در کلیه زمینه‌های اقتصادی متوجه نخبگان این کشور گردد. از سوی دیگر اقتصاد کاملاً وابسته به محصولات کشاورزی و مواد خام از یک سو و پیوند ناگسستنی تبادلات خارجی براساس روبل و سقوط ارزش روبل از سوی دیگر باعث گردید تا تولید سرانه این کشور پایین‌ترین رقم در میان جمهوری‌های شوروی سابق را به خود اختصاص دهد. شدت تأثیر نوسانات ارزش روبل بر این کشورها به‌گونه‌ای است که آنها در صدد ایجاد واحد پول ملی باشند بر همین اساس از میان این ۵ کشور، قرقیزستان مبادرت به اعلام واحد پول ملی و مستقل خود نموده است؛ لیکن تاجیکستان تا رسیدن به این مرحله فاصله‌ای بسیار طولانی دارد اگرچه حتی در صورت اعلام واح پول مستقل به اعتقاد کارشناسان قطع ارتباط تدریجی با روبل ۵ تا ۷ سال به طول می‌انجامد.<sup>۱</sup> با همه این وابستگی‌ها براساس آمار در سال ۱۹۹۳ تاجیکستان دارای ۲/۵ میلیارد تولید ناخالص داخلی بوده لیکن در سال بعد این رقم به ۲/۲ میلیارد دلار کاهش می‌یابد و به همین نسبت درآمد سرانه از ۱۷۰۰ دلار برای هرنفر به ۱۴۰۰ دلار تنزل می‌یابد و از سوی دیگر رقم بدهی‌های خارجی آن از ۴۱/۵ میلیون دلار در سال ۱۹۹۳ به ۴۵/۱ میلیون دلار در سال ۱۹۹۴ افزایش یافته است. همچنین با توجه به اینکه این جمهوری‌ها اغلب تأمین‌کننده مواد اولیه برای شوروی سابق بوده و تعاملات تجاری آن بیشتر با شوروی سابق و جمهوری‌های وابسته به آن بوده و از سوی دیگر روسیه و سایر جمهوری‌های شوروی سابق خود نیز با مشکلات اقتصادی مواجه هستند صادرات تاجیکستان نیز در حد قابل توجهی کاهش یافته است. براین اساس می‌توان مشکلات اقتصادی تاجیکستان را در موارد ذیل بررسی نمود:

۱. گزارش کنفرانس بین‌المللی نقش آسیای مرکزی در شرایط جهانی، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴، سال دوم، بهار ۱۳۷۳، ص ۴۱۵.



از لحاظ مسائل حقوقی، خلق الساعه بودن قوانین، عدم تدوین قوانین و حقوق شرکتها در خصوص مسائل قانونی، تسهیلات قانونی، حمل و نقل، بیمه، بانکداری،<sup>۱</sup> عدم احترام به قوانین و فقدان ضمانت اجرای قوانین، مشکلات قانونی این کشور در ابعاد تجاری و بازرگانی محسوب می‌گردند. علاوه بر مسائل مذکور، پیامدهای دوران انتقالی اقتصادی تاجیکستان نرخ تورم بالا در این کشور یعنی ۲۱۹۵٪ در سال ۱۹۹۳ و نرخ رشد منفی ۰۲۸٪ فشار سنگینی را بر بخشهای اقتصادی این کشور اعمال می‌نماید البته طی سال ۱۹۹۴ بهبود نه‌چندان مناسبی در این ارقام حاصل گردید و تورم به ۱۵۰۰٪ و نرخ رشد به ۱۵٪ تغییر یافت لیکن بدهی تاجیکستان به کشورهای خارجی از جمله ۵۰۰ میلیون روبل به روسیه، ۵ میلیون روبل به قزاقستان بابت خرید نفت و ۲۰۰ میلیون دلار به ازبکستان (در سال ۱۹۹۴) و فقدان تجربه کافی در برنامه‌ریزی کلان و اقتصاد تک‌محصولی این کشور (۳/۳۸٪ محصولات کشاورزی از جمله پنبه) سردرگمی نمایانی را در تعاملات اقتصادی با این کشور ایجاد نموده است. علاوه بر این مسائل باید فقدان کیفیت لازم در محصولات صنعتی این کشور برای جذب منابع ارز خارجی را به این محیط اقتصادی اضافه نمود.

بخش اقتصاد دولتی نیز ضمن چالش با موضوعاتی همچون فقدان پشتوانه لازم برای بهره‌گیری از تکنولوژی مدرن و بدهی‌های کلان بابت واردات و همچنین فقدان نقدینگی و آسیبهای ناشی از پنج سال درگیری و جنگ داخلی به سمت ورشکستگی پیش می‌روند. به‌عنوان نمونه شرکت گاز تاجیکستان با وارد نمودن گاز مصرفی به بهای متوسط هر متر مکعب ۵۰ دلار طی سال اخیر ۱۸ میلیارد روبل گاز از ازبکستان وارد نموده و فقط در این یک مورد شهروندان تاجیکی و کارخانجات و مؤسسات دولتی و خصوصی بابت بهای گاز مصرفی خود ۱۵ میلیارد روبل به شرکت گاز تاجیکستان بدهکار هستند که این مسئله، شرکت را با مشکل جدی واردات گاز مواجه کرده است این در حالی است که تاجیکستان خود دارای ذخایر قابل توجهی از منابع گاز است لیکن به دلیل کمبود سرمایه‌گذاری تاکنون از آنها استفاده مطلوب نشده است.<sup>۲</sup>

۱. گزارش سمینار توسعه آسیای مرکزی و قفقاز، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴، سال دوم، بهار ۱۳۷۳، صص ۷-۶.  
۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶/۱۱/۲۵.



از جانب دیگر ساختار جمعیتی تاجیکستان متأثر از وضعیت اکولوژی کشور، اغلب روستانشین هستند؛ ۷۰٪ جمعیت روستانشین بوده که از این مقدار ۶۷٪ تاجیک و ۲۸٪ ازبک هستند و از ۳۰٪ جمعیت شهرنشین ۴۰٪ تاجیک و ۳۳٪ روس و اوکراینی و ۱۴٪ ازبک هستند.<sup>۱</sup> حال در صورتی که روند مهاجرت روسها و اوکراینی‌ها که از اقشار فرهیخته محسوب می‌گردند ادامه یابد ممکن است که روند رشد منفی بازهم ادامه یابد. بعید نیست که حرکت چرخهای اقتصادی و صنعت بویژه در بخش تولید کندتر گردد. همچنین مشکل بیکاری با رقم ۶۵۰،۰۰۰ نفر بیکار در سن اشتغال در سال ۱۹۹۱ از کشوری با جمعیت حدود ۴ میلیون نفر رقم نسبتاً بالایی است که با حذف سوبسیدهای دریافتی از روسیه سابق یعنی تجارت بین جماهیر، حمل و نقل، مشکل کمبود کالا، بحران کمبود ساخت، پایین بودن سطح تخصص‌ها، بیکاری جوانان و عدم تمایل کشورها به سرمایه‌گذاری در این کشورها و یا عدم اطمینان به نتایج سرمایه‌گذاری در این کشور بیانگر آینده‌ای نه‌چندان روشن برای این کشور و ملت آن است.

روی دیگر سکه در نوع امیدها و آماج سیاستها است به گونه‌ای که نظر مردم به سمت کشورهای همچون چین و ایران بوده در حالی که نگاه دولتمردان بیشتر به روسیه متوجه است و این اختلاف نظرها با ورود نمایندگان اتحاد مخالفین دولت در معادله تصمیم‌گیری اگر چه ممکن است برخی از تنشهای سیاسی را کاهش دهد لیکن تعارضات تصمیم‌گیری در عرصه اقتصادی را افزایش داده و چه بسا ممکن است این اختلافات بی‌ثباتی‌های اقتصادی را افزایش دهد.

در مبحث آتی ضمن تفسیر این واقعیتها به دنبال تبیین نوع رفتار ممکن برای نیل به مطلوبیت بیشتر از سوی جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت.

### راهبردهای ممکن در تأمین منافع ایران

سیاست خارجی متعادل ضرورتاً نیازمند مبانی تعریف شده و دقیق به‌عنوان محور تعیین‌کننده و تنظیم‌کننده کمیّت و کیفیت تعامل دو کشور در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی،



فرهنگی و نظامی می‌باشد. فقدان چنین مبنایی باعث بروز رفتارهای سلیقه‌ای، بی‌ثباتی و برخوردهای غیرسیستمی در اظهارنظرها، حمایتها و موضعگیری‌ها خواهد شد. این مبنا می‌تواند حول محور ایستارهای آرمانی اعم از دینی و مذهبی و یا ملی و یا در قالب تئوری سیستمها براساس امنیت و منافع متقابل متساوی و متوازن تنظیم گردد.

با توجه به آنچه که گذشت در عرصه چالشهای بالقوه و بالفعل بین دو کشور جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان، ایران ناگزیر به انتخاب یکی از دو فرضیات ذیل است.

حالت اول انتخاب محور مذهبی دینی به عنوان نقطه‌ای مشترک بین دو ملت و تأکید بر ارزشهای مذهبی و ایستارهای دینی و تقویت این محور، روابط بین دو ملت را گسترش داده و از این طریق بتواند نقطه اتکایی را در میان تصمیم‌گیرندگان، ملت و گروههای سیاسی مذهبی و افراد ذی‌نفوذ، پیدا نموده و با تکیه بر آن جایگاه منافع خود را در آن کشور تأمین، بسط و توسعه دهد.

رویکرد دوم توجه به خاستگاه فرهنگی ملت تاجیکستان در عرصه فرهنگ ایرانی و پیشینه مشترک دو کشور حول محور ادبیات و فرهنگ فارسی است؛ عرصه‌ای که حتی در دوران اختناق استالینی شعاع آن گسترش یافته و هیچ‌گاه به فراموشی سپرده نشد.

با توجه به شاخص‌های ذکر شده در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، در ارزیابی دو رهیافت مذکور لاجرم باید واقعیت‌های سیاسی - اجتماعی حاکم بر تاجیکستان را در نظر گرفت. از یک‌سو ایران به عنوان مهد پرورش و صدور تفکر انقلابی و به اذعان ناظران سیاسی، محل شکل‌گیری و صدور بنیادگرایی اسلامی با تفکر شیعی شناخته شده و رقیبان و حتی دشمنان با دقت کامل هرگونه حرکت و اقدام ایران را با حساسیت تام دنبال می‌نمایند و از سوی دیگر کشور تاجیکستان اگرچه دارای ملتی مسلمان است لیکن آنها حنفی مذهب هستند و حتی در صورت به کف‌گیری قدرت توسط مسلمانان به شکل کامل بسیار بعید به نظر می‌رسد که سیاستها و عملکرد آنان به شکل کامل هماهنگ و همسو با ایران باشد چرا که علقه و روابط مذهبی آنها با دیگر کشورهای اسلامی که دارای همسانی بیشتر با آنها هستند از جمله پاکستان، عربستان سعودی و ... به مراتب قوی‌تر و بیشتر از ایران خواهد بود و این خود ایجاد پارادوکس خواهد نمود که حل آن غیرممکن و یا فرآیند طولانی و دقیقی را طلب می‌نماید. حتی اگر با



تسامح و تساهل این مسئله را نیز نادیده بگیریم مشکل قانونی آن کشور اجازه چنین همسانی را نخواهد داد و این در اصل ۱۰۰ قانون اساسی تاجیکستان آمده است. در آن کشور دین از سیاست جدا بوده اگرچه اسلام و مسلمانان و سایرادیان مورد احترام می‌باشد لیکن گرایش جدایی دین از سیاست از پایگاه اجتماعی نسبتاً مناسبی در میان قشر روشنفکر تاجیکی برخوردار است و حتی برخی از بازیگران منطقه‌ای به دنبال ایجاد ترکیه‌ای دوم در این منطقه از طریق کشور آذربایجان و در درازمدت در سایر کشورها می‌باشند و حتی طی دو ماهه اول سال میلادی ۱۹۹۸ رئیس‌جمهور تاجیکستان در سخنرانی‌ها و انظار عمومی مکرراً از ائتلاف مخالف خواسته است که موضع خود را در خصوص موضوع دین و سیاست اعلام نماید و این مسئله مأموریت کمیسیون آشتی ملی در زمینه اصلاح قانون اساسی را با مشکل مواجه می‌نماید، لذا هرگونه موضعگیری یا حمایت‌های علنی و پنهان ایران در تغییر این روند بویژه فعالیت‌هایی که نشان از تبلیغ مذهبی صرف و عربیان که باعث تحریک بازیگران دو سطح داخل و منطقه شود و متهم به تقویت جریان‌های بنیادگرایی شود خودداری نماید و حتی ممکن است تکمیل جریان صلح و تقویت موضع نهضت اسلامی تاجیکستان در به دست آوردن سهم بیشتری در معادله قدرت را با مشکل مواجه سازد.

اما در عرصه‌ای دیگر از سوی تشکلات فرهنگی به همراه حمایت‌های دولتی بویژه پس از امضای توافقنامه صلح شاهد حرکت‌های ملی و دولتی در جهت تقویت گرایش‌های فرهنگی و ادبی فارسی در تجلیل از مظاهر فرهنگ ایرانی همچون تقویت کتابخانه فردوسی، ساخت مجسمه فردوسی در میدان فردوسی تاجیکستان و دستور ساخت مجسمه امیر سامانی به مبلغ ۱۲۵ هزار دلار بوده که این نمونه‌ای از علقه‌ها و گرایش‌ها و زمینه‌های مستحکم فرهنگ ایرانی در آن کشور تلقی می‌گردد و برخلاف اقدامات دینی و مذهبی، هرگونه تحرک و تعامل در این زمینه از سوی نمایندگی‌های سیاسی و فرهنگی ایران در تاجیکستان نه تنها باعث ایجاد حساسیت و تنش نخواهد شد بلکه از سوی مردم و دولت تاجیکستان مورد استقبال قرار می‌گیرد؛ چرا که روشنفکران تاجیکی رابطه با ایران را به عنوان مرکز اصلی فرهنگ فارسی و ایرانی ضروری می‌دانند و برای تحقق این امر با یکدیگر در



رقابت هستند.<sup>۱</sup> و این مسئله می‌تواند محور سایر اقدامات از جمله ابعاد اقتصادی نیز شود. با این وضعیت به نظر می‌رسد در صورتی که جمهوری اسلامی ایران بخواهد در رقابت با سایر بازیگران منطقه‌ای و جهانی در حوزه آسیای مرکزی قادر به تأمین منافع ملی خویش باشد در ابتدا باید در زمینه حوزه دینی بدون تأکید و پافشاری بر مذهب خاص، حول محور مشترکات اسلامی براساس دین حداقل و با استمداد از تسامح و تساهل معقول و منطقی دینی بدون هیچ‌گونه تحریک خاصی وارد عرصه فعالیت فرهنگی و اقتصادی در آن کشور گردد.

از جانب دیگر «با توجه به گرایشات فرهنگی موجود که ریشه عمیقی در فرهنگ مردم این خطه وجود دارد به گونه‌ای که روشنفکران آنها حتی در دوره حاکمیت کمونیسم، از تظاهر به داشتن علائق مستحکم به فرهنگ ایرانی ابایی نداشتند»<sup>۲</sup> ایران می‌تواند برای دست یافتن به نقطه اتکای مطلوب حول محور گسترش فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی از طریق تشکیل محافل و کمیته‌های دوستی و فرهنگی مشترک متمرکز نموده و از سوی دیگر با توجه به نفوذی که در اتحادیه مخالفان تاجیکستان از طریق عبدالله نوری و قاضی تورجان‌زاده دارد بویژه در انتصابهای اخیر رئیس‌جمهور در گماردن افراد اتحاد مخالفین در پستهای اقتصادی یعنی وزیر اقتصاد و روابط خارجی، وزیر آب و شبکه‌های آبیاری، وزیر کار و رئیس کمیته دولتی گمرک و رئیس کمیته نظارت بر امنیت کار در صنایع و معادن<sup>۳</sup> دارد، بتواند تراز موازنه تجاری را به نفع خویش تغییر دهد. همچنین اگر براساس آنچه رحمان‌اف قول به انجام آن داده است پست معاون اول نخست‌وزیری را به قاضی تورجان‌زاده واگذار نماید و نفوذ نسبی جمهوری اسلامی ایران بر تورجان‌زاده به‌اضافه نیاز مبرم تاجیکستان دوران پس از جنگ ۵ ساله به تجارب سازندگی ایران در دوران سازندگی برای بازسازی زیرساختهای اقتصادی تاجیکستان و همچنین وجود بازار مستعد تاجیکستان برای فعالیتهای صنعتی و تجاری،

۲. همان، ص ۱۶۴.

۱. همان، ص ۱۲۱.

۳. امامعلی رحمان‌اف رئیس‌جمهور تاجیکستان براساس مفاد قرارداد صلح مبنی بر واگذاری ۳۰٪ از مناصب حکومتی به اتحادیه مخالفین دولت در روز ۷۶/۱۱/۲۳، ۵ نفر از افراد اتحاد مخالفین تاجیک را به سمت وزیر و جایگاههای عالیرتبه منصوب نمود. بیخ‌عطار، ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، ص ۱۵۹.

تصویر روشنی از بستر مناسب برای تأمین منافع ملی ایران را ارائه می‌دهد.

در صورت تحقق وضعیت فوق‌الذکر و قابلیت‌های موجود به‌نظر می‌رسد اقدام ایران در زمینه‌های صنایع و خدمات بازرگانی از جمله در صنعت مخابرات، مطالعه اکتشاف و استخراج معادن و مواد کانی، صنعت نفت و پتروشیمی، راه و ساختمان همچنین حمل‌ونقل کالا و در ابعاد فرهنگی در پذیرش و تبادل استاد و دانشجو می‌تواند بخش عمده منافع ایران را در تاجیکستان تأمین نماید و وجود فرصت مناسب در زمینه ضعف رقبای اصلی ایران در منطقه یعنی روسیه که خود دچار مشکلات پس‌از دوران فروپاشی است و کره نیز که به علت درگیر شدن در بحران شرق آسیا تا مرز ورشکستگی پیش رفت و همچنین چین که در قالب تعاملات سیاست خارجی ایران و چین همسانی‌های فراوان مشاهده می‌گردد؛ تحقق این اهداف را سهل‌الوصول خواهد نمود.

البته تاجیکستان دچار معضلات اقتصادی شدیدی است که قبلاً بدان اشاره شد لیکن در تبادل اقتصادی و سرمایه‌گذاری ایران در آن منطقه جای نگرانی حادی وجود ندارد و ایران می‌تواند به ازای میزان سرمایه‌گذاری در آن کشور و در بخش صنایع یا خدمات از صادرات آلومینیوم، طلا، پنبه، ابریشم و اورانیوم آن کشور به شکل مبادله پایاپای بهره‌جوید.

توجه به روانشناسی سیاسی مردم تاجیکستان و نخبه آن جامعه بویژه روشنفکران و تفسیرسازان و همچنین گروه‌های ذی‌نفوذ مطرح و استفاده از زمینه‌های نفوذ حاصل از تعامل ایران در دو مرحله فرآیند صلح و استفاده از نفوذ خویش در میان نهضت اسلامی برای دوری جستن از تشنج و ایجاد درگیری یا تعارضات علنی با جناح ملی‌گرای افراطی و کمونیستها و توجه به استعداد موجود در عرصه فرهنگی و اقتصادی آن کشور می‌تواند در بلندمدت دربرگیرنده منافع ملی ایران در آن منطقه باشد.